

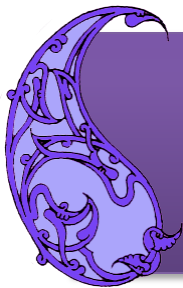
بخش سوم صفات خدا

امکان فهم پذیری معانی اوصاف الاهی

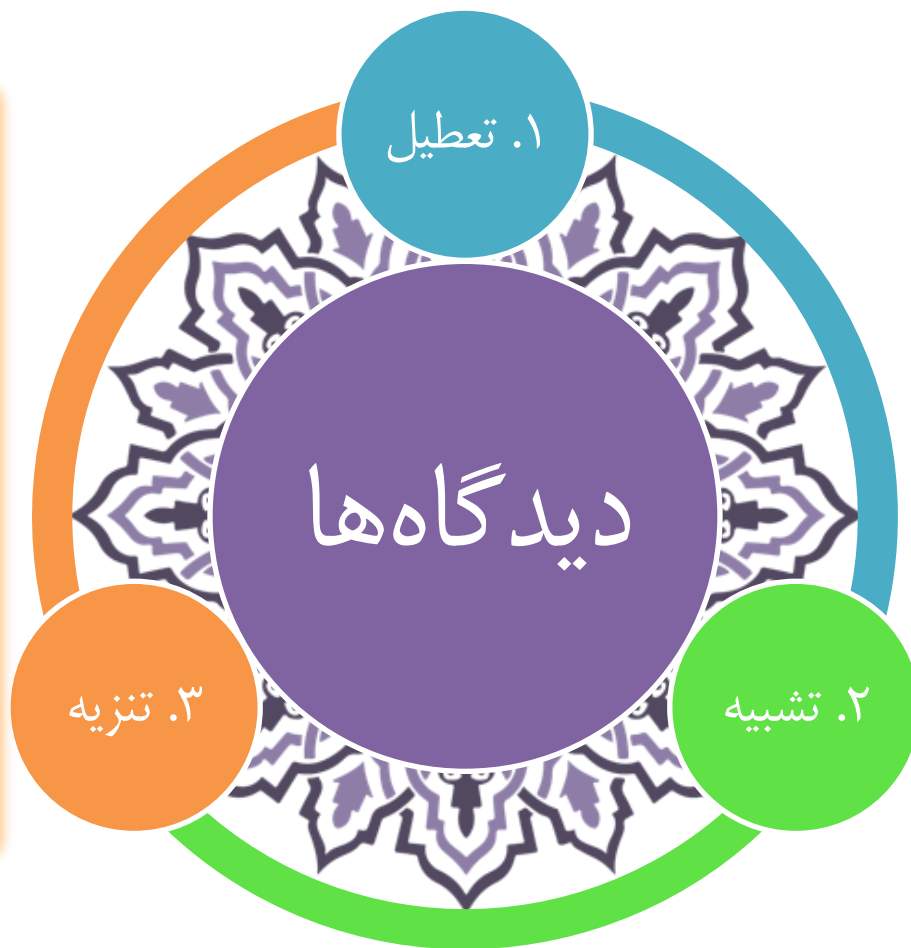
اگر بپذیریم که خداوند را از راه صفات او می توان شناخت، و خداوند دارای همه اوصاف کمالی است؛

و بسیاری از اوصاف الاهی- مانند: دانایی، توانایی و حیات و ...- به صورت مشترک با آدمیان به کار می رود؛

آیا معانی اوصاف اخیر در هر دو کاربرد یکسان است؟



امکان فهم پذیری معانی اوصاف الاهی



۱- دیدگاه اهل تعطیل

معتزله

معتزله می گوید چون انسان با مفاهیمی سروکار دارد که مربوط به موجودات محدود و ممکن الوجود است جایز نیست که این صفات را به خدا نسبت بدهند، در حالی که او واجب الوجود و قائم به ذات است. آنها اوصاف الهی را در قرآن و سنت قبول دارند ولی می گویند حقیقت این معانی بر ما روشن نیست و هیچ تأملی درباره آن نباید صورت بگیرد.

تعطیل است!



اولاً: ما اوصاف الهی را از یکدیگر تمییز می دهیم یعنی معنایی را از آن ها می فهمیم.

ثانیا: ذکر مکرر صفات خدا در قرآن و دعوت به تفکر در آیات دلیل بر نادرستی این نظریه است. زیرا اگر صفات خدا قابل فهم نباشد چنین دعوتی لغو خواهد بود.

ثالثاً: قرآن هدف از خلقت انسان را عبودیت الهی می داند. عبادت خدا فرع بر شناخت خداست. خدایی که قابل شناخت نباشد چگونه قابل پرستش است؟

۲- دیدگاه اهل تشبیه

اشاعره

اشاعره معتقدند: صفات الهی و انسان از نظر معنا تفاوتی ندارند. دلیل این گروه ظاهر بعضی از آیات است مثل آیه: «یدالله فوق ایدیهم». اینان چون اوصاف خدا را به اوصاف تشبیه می کنند به اهل تشبیه یا مشبهه معروف اند. آن ها برای خدا اعضا و جوارح جسمانی مانند دست و پا در نظر گرفته اند.

نقد



اولاً: خدایی که دارای اعضا و جوارح مادی باشد مرکب و نیازمند است که با واجب الوجود بودن خدا سازگاری ندارد.

ثانیا: آیه مورد نظر از آیات متشابه قرآن است که طبق دستور قرآن باید به آیات محکم مانند «**لیس کمثله شیء**» برگردد.

در نتیجه گفته می شود: منظور از دست خدا دست مادی نیست بلکه به معنای قدرت الهی است. همان طوری که می گوییم: دست بالای دست بسیار است.

۳- دیدگاه تنزیه

شیعه

شیعه می گوید: نه تعطیل و نه تشبیه بلکه فهم پذیری و تنزیه. عقل انسان می تواند اوصاف خدا را بشناسد اما معانی اوصاف الهی با اوصاف موجودات دیگر متفاوت است. این نظریه، صحیح و مورد تایید قرآن و روایات است.

در قرآن صفات زیادی برای خدا ذکر شده مانند:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

اوست خدای یگانه که هیچ خدای دیگری جز او نیست ، فرمانروا است ، پاک است ، عاری از

هر عیب است ، ایمنی بخش است، نگهبان است ، پیروزمند است ، با جبروت است و بزرگوار است و

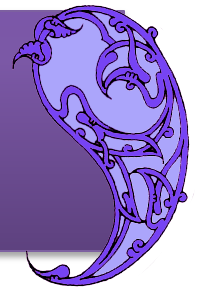
از هر چه برای او شریک قرار می دهند منزّه است(سوره حشر آیه ۲۳ و ۲۴)

اما در عین حال می فرماید:سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ (انعام، ۱۰۰).خدا منزّه و برتر از توصیف

آنها است.

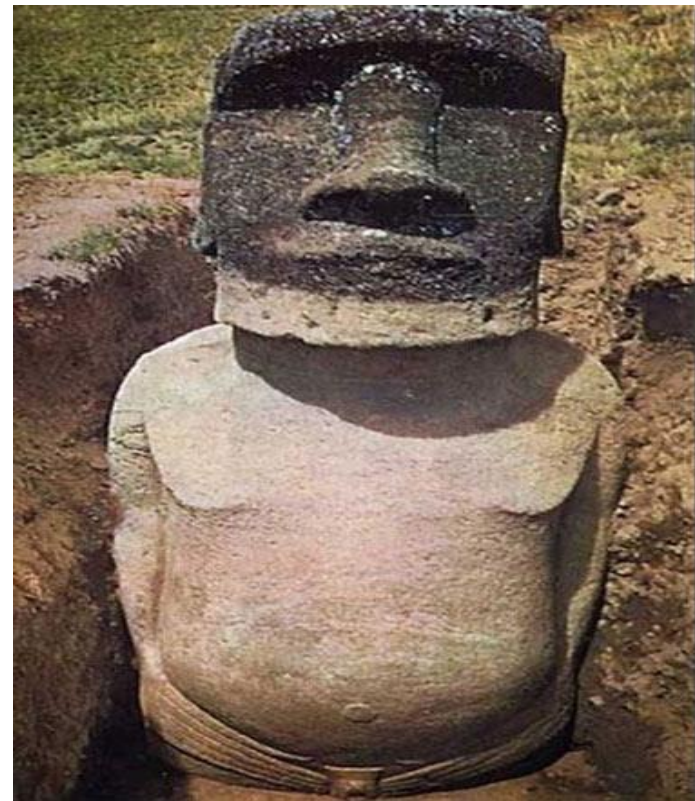


خدای خواستنی



«عقلها را اجازت نداده که
حدود صفات او را
مشخص کنند، اما در عین
حال آنها را از «مقدار
لازم» معرفت ممنوع
نساخته است و پرده ای
میان عقول و آن «مقدار
واجب» قرار نداده.»

امام علی علیه السلام



علم

مثال تنزیه:

حادث است

در معرض زوال و نابودی
است

برای تحصیل آن به ابزار
نیازمندیم

احتمال خطا در آن وجود دارد

علم الهی، آگاهی بدون این قیود است

پس خداوند را چگونه باید تصور کرد؟

- ما انسانیم و برتر از ادراکات حسی اما محدود...
- و خداوند حقیقتی مطلق و نامحدود...

مقدار لازم:

مقداری که می‌توان
به آن رسید و آن را
کشف کرد.



مقدار واجب:

مقداری که «باید»
شناخت.

پس چه باید کرد؟ از راه صفات او را بشناسیم

۱- راه عقلی:

عقل وقتی وجود غنی بالذات و واجب را اثبات کرد می تواند صفاتی از خداوند را نیز دریافت کند؛ زیرا از واجب الوجود بودن او، ابدیت و ازلیت، بی شریک بودن، برتر از زمان و مکان، جسم نبودن و... به دست می آید.



۲- سیر در آفاق انفس

در پرتو این مطالعه انسان می تواند به برخی اوصاف الهی راه یابد. تفاوت این با راه اولی این است که تمام مقدمات اولی عقلی اند ولی در راه دوم برخی مقدمات از مطالعه جهان منظم به دست می آید. از مطالعه ودقت در عالم خلقت و در نفس انسان ها، صفات خداوند مثل: قدرت، علم، حکمت، و... شناخته می شوند.



۳- قرآن و روایات

در قرآن و روایات و دعاهایی که از اهل بیت به ما رسیده، صفات زیادی بیان شده است. در دعای جوشن کبیر ۱۰۰۰ اسم و صفت از اسما و صفات الهی آمده است.

۴- کشف و شهود

کشف و شهود نوعی مشاهده قلبی و درک باطنی است. انسان بر اثر تکامل و رشد روحی و معنوی و کسب فضائل و تقوا به جایی می رسد که می تواند بسیاری از حقایق از جمله صفات جمال و جلال خداوند را درک کند

دسته بندی های گوناگون از صفات خدا



۱- صفات ثبوتیه:

- صفات کمالیه ای که خداوند واجد آن است و متضمن هیچ معنای عدمی و امکانی نیست؛
- این صفات عین ذات خداوندند؛
- و میان ذات و صفات او حد و مرزی نیست. این صفات را صفات جمالیه نیز می گویند

۲- صفات سلبيه:

صفاتى كه از نقص و كاستى و محدوديت خبر مى دهد و خداوند فاقد آن است. این صفات را صفات جلالیه نیز می گویند.



صفات سلویه

۱- نفی جسمانیت

۲- برتر از جهت و مکان

۳- نفی حلول

- خداوند در هیچ موجود
دیگری حلول نمی کند. اما
همه چیز تجلی اوست.

۴- نفی اتحاد با غیر (تبدیل دو
ذات به ذات واحد)

۵- نفی رویت حسی / چه در
دنیا و چه در آخرت)

- برخلاف رویت قلبی و شهود
باطنی و لقای او



صفات ثبوتی

صفات ذاتی و فعلی:

صفات فعلی آن دسته از صفات هستند که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع می شوند، مثل خالقیت

صفات ذاتی آن دسته از صفات هستند که از ذات الهی انتزاع می شوند مانند علم و قدرت